

نقدی بر کتاب

مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول

محسن سیفی*

مهوش حسن پور**

چکیده

کتاب مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول یکی از آثار است که نگارنده آن نمونه‌هایی از نثر و شعر دوران عباسی اول را گلچین کرده و به ترجمه و تحلیل آن پرداخته است. مطالعه کتاب نشان می‌دهد که این اثر، ضمن داشتن امتیازاتی، عاری از کاستی‌ها و نقص‌ها نیست. نگارنده در این جستار قصد دارد با رعایت اصول نقد و با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی میزان پای‌بندی نویسنده این کتاب را به رعایت معیارها و قوانین نگارشی به بوتۀ نقد بکشاند. از بررسی دقیق کتاب چنین استنباط می‌شود که این اثر برخی کاستی‌های محتوایی و شکلی دارد که از اساسی‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پرداختن به موضوعات غیرضروری مانند زندگی‌نامه شاعران و غافل‌شدن از برخی مباحث ضروری مانند اغراض شعری عصر عباسی. خطاهای تایپی زیادی نیز در کتاب مشاهده می‌شود که می‌تواند اطلاعات اشتباهی به مخاطب مبتدی بدهد و حتی باعث بدفهمی مطلب شود.

کلیدواژه‌ها: متون نظم و نثر عربی، مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول، نقد کتاب.

* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)، Motaseifi2002@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، Hasanpoormahvash@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

۱. مقدمه

نقد کتاب‌های آموزشی می‌تواند نقش مهمی در اصلاح کاستی‌ها و افزایش سطح فکری آفرینندگان آن داشته باشد. از این رو، برای دستیابی به کارایی بیش‌تر و بهره‌وری افزون‌تر مخاطبان شایسته است این آثار با به‌کارگیری شیوه‌های درست و رعایت اصول نقد موردبررسی قرار گیرند، اما قبل از هر کاری باید با مفهوم نقد آشنا شد.

«کلمه نقد خود در لغت به معنی "بهبین چیزی برگزیدن" و "نظرکردن" است در دراهم تا در آن به قول اهل لغت سره از ناسره بازشناسد» (زرین کوب ۱۳۶۱: ۱). به‌دیگریان، نقدکردن یک اثر با سخن به معنی نمایاندن عیب‌های پنهان آن اثر است. در مفهوم نقد و انتقاد معانی‌ای چون طلب، بی‌طرفی، بررسی، و به‌دست‌گرفتن و از هم جداکردن نهفته‌ها و بیرون‌کشیدن آن‌هاست (صاد ۱۳۹۲: ۱۳).

مطالعه یک اثر به‌هدف نقد آن باید با دو نگرش صورت گیرد: نگرش کلی و مجموعی تأثیرگذاری که طی آن پیام مؤلف و غرض اصلی او به‌دست‌آید و مشخص شود که نویسنده در پی تأمین چه نوع کمبودی است و به موضوع بحث از چه زاویه‌ای نگریسته است. نگاه دوم نگاهی جزئی و موردی است. در این نگرش، ناقد به اسکلت و ساختمان کلی تألیف نظر نمی‌کند، بلکه مانند یک کالبدشکاف کتاب را موردبه‌مورد تجزیه و تحلیل می‌کند. در این مطالعه حتی صفحه‌ها و پاراگراف‌ها می‌توانند به‌استقلال موردتوجه قرار گیرند (سلطانی ۱۳۶۹: ۱۶).

پژوهش نشان می‌دهد که نقد صحیح از واردشدن آسیب به رشد علمی و فرهنگی جامعه جلوگیری می‌کند و مانع هرج‌ومرج و آشفتگی فکری و علمی جامعه، به‌ویژه جامعه دانشگاهی و طبقه فرهیخته می‌شود. نقد منصفانه آن است که در کنار نقص‌ها، نقاط ضعف و قوت اثر نیز بررسی شود و کتاب با تکیه بر مبانی عقلی و استدلالی از دو جنبه صورت و محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد (سیاوشی ۱۳۹۱: ۵۸).

به‌هرروی، باتوجه‌به این‌که کتاب‌های درسی اصلی‌ترین منبع در زمینه ارتباط علمی است نگارندگان قصد دارند در این پژوهش به نقد و بررسی کتاب *مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول* پردازند. باتوجه‌به دشواری شعر و نثر عصر عباسی برای مخاطبان، که بیش‌تر دانشجویان مبتدی مرحله لیسانس هستند، نقد کتاب‌هایی که در این زمینه نگاشته شده‌اند می‌تواند مفید واقع شود و تاحدی از مشکلات و دشواری‌ها بکاهد. بنابراین، در این جستار سعی شده است تا نقاط قوت اثر یادشده بارز شود و

کاستی‌های آن برطرف گردد. در مقاله حاضر در تلاشیم به این مهم پردازیم و به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- مؤلف در اثر موردنقد تا چه حد به قواعد و اصول ویرایشی و نگارشی پای‌بند بوده است؟
- اصول تألیف کتاب چه میزان رعایت شده است؟
- نقاط ضعف و کاستی‌های اثر کدام‌اند؟
- کتاب موردنظر از چه امتیازاتی برخوردار است؟

۲. معرفی کلی اثر

۱,۲ مؤلف

سیدعلی میرلوحی فلاورجانی مؤلف، مترجم، و ناقد در ۱۳۲۰ ش در شهرستان فلاورجان از توابع استان اصفهان متولد شد. او دوران ابتدایی را در ۱۳۳۲ ش در زادگاه خود به‌پایان رساند و تحصیلات حوزوی را از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ ش در اصفهان و قم پشت‌سر نهاد. تحصیلات دانشگاهی ایشان نیز در رشته زبان و ادبیات عربی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از ۱۳۴۰ ش شروع شد و تا ۱۳۵۳ ش ادامه یافت. از آن‌پس، در دانشگاه‌های متعدد، از جمله دانشگاه اصفهان، به تدریس مشغول بود و سمت‌های گوناگونی را نیز برعهده داشت. آثار و خدمات ارزنده‌ای از او به دنیای علم و ادب عرضه شده است که از این میان می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره داشت:

- مختارات من روائع الادب العربی فی العصر الإسلامی، سازمان کتاب‌های درسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- ترجمه و تحقیق کتاب الجمان فی تشبیحات القرآن بنیاد پژوهش‌های اسلامی مشهد، ۱۳۷۳.
- تصحیح و تحقیق الذریعة إلی مکارم الشریعة، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵.
- ترجمه و تحقیق بدیع القرآن ابن أبی الأصبیح المصری، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

۲,۲ کتاب‌شناسی

کتاب *مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول* نوشته سیدعلی میرلوحی است. این کتاب در یک جلد و ۳۰۳ صفحه نگاشته شد و برای نخستین بار در زمستان ۱۳۹۲ توسط انتشارات سمت به چاپ رسید.

۱,۲,۲ موضوع کتاب

موضوع کتاب گردآوری، ترجمه، و تحلیل متون نثر و نظم دوران عباسی اول است. نویسنده در آغاز سعی داشته است با پرداختن به نثر و شعر و مراحل‌هایی که این نوع از ادبیات گذرانیده است مخاطب را با تحولات و دگرگونی‌های آن در عصر عباسی آشنا کند. او نمونه‌هایی از نامه‌ها، مناظرات، خطبه‌ها، و سروده‌های این دوره را به‌عنوان نمونه آورده است و به ترجمه و تحلیل آن همت گماشته است.

۲,۲,۲ نگاهی به جنبه محتوایی کتاب

مطالب کتاب به ترتیب عبارت است از: عنوان، شناس‌نامه، سخن ناشر، فهرست کتاب، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری، مصادر، و مراجع. مؤلف ضمن پرداختن به برخی ویژگی‌های کلی عصر عباسی و تعریف برخی اصطلاحات نمونه‌هایی را از نظم و نثر این عصر آورده است و به تحلیل و ترجمه آن پرداخته است.

۳. تحلیل کتاب *تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث*

۱,۳ تحلیل ساختاری

نویسنده باید در تألیف کتاب، افزون‌بر دقت در محتوا و مطالب، به انسجام و یک‌پارچگی اثر و نظم ساختاری آن توجه داشته باشد و مطالب را به‌صورت نظام‌مند و با پیروی از چهارچوب و فصل‌بندی منطقی و درستی ارائه دهد. نوشته باید از مقدمه‌ای کارآمد، پیش‌گفتار، فهرست مطالب، فصل‌بندی منظم و منسجم، و نتیجه‌گیری برخوردار باشد.

۱,۱,۳ نظم و انسجام منطقی کتاب

در سرتاسر کتاب و میان فصل‌ها نظم منطقی مشاهده می‌شود. عنوان‌های کلی این اثر از نظم خوبی پیروی می‌کند؛ مثلاً، نویسنده در بخش نثر ابتدا از چگونگی نثر در عصر عباسی اول

و مراحل تطور آن سخن می‌گوید. او در بخش شعر هم بر همین منوال می‌رود و به شعر و تطور آن می‌پردازد. اما بی‌نظمی‌ای که در کتاب به چشم می‌خورد این است که نگارنده در بخش نثر از فنون نثر مثل رسائل، خطب، و مناظره سخن به میان می‌آورد، ولی در بخش شعر هیچ مطلبی ذیل عنوان فنون شعر یا اغراض شعر در این دوره نیامده است که این امر می‌تواند باعث ایجاد قدری بی‌نظمی و آشفتگی شود.

۲,۱,۳ مقدمه

«مقدمه شامل شرحی اجمالی درباره مسئله بررسی شده، حدود و ارزش و کاستی‌های پژوهش‌هایی که پیش‌تر در این زمینه صورت گرفته است و نیز روش‌ها و ملاک‌ها و مفهومی‌های تازه‌ای که در پژوهش به کار رفته، است و طول مقدمه کمابیش با طول متوسط فصل‌ها برابر است» (حیدری ۱۳۸۰: ۸۰).

۳,۱,۳ پیش‌گفتار

موضوع پیش‌گفتار مسائل رخ داده در باب شکل‌گیری کتاب است و در واقع، با مطالب کتاب ارتباط مستقیمی ندارد و بر محور مسائل جنبی اثر می‌گردد؛ مانند: شرایط تهیه اثر، تجدید چاپ، تشکر از دست‌اندرکاران، و ...

۴,۱,۳ نتیجه‌گیری

از بخش‌های مهم پژوهش‌های علمی «نتیجه‌گیری» است. پژوهش‌گر در قسمت «نتیجه‌گیری» مهم‌ترین دستاوردهای به دست آمده از پژوهش را می‌آورد و نتیجه‌گزینه‌های مطرح شده در سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق را ذکر می‌کند؛ هم‌چنین، ممکن است با اتکای بر آنچه در روند تحقیق به آن دست یافته است، اقدام به رد برخی از آرا و مسائل موجود کند یا مخاطب را درباره صحت و سقم آن‌ها به تردید اندازد یا این که خود نظریه بومی یا تقسیم‌بندی‌های جدیدی ارائه دهد.

۴. امتیازات شکلی اثر

به‌طور کلی، شکل ظاهری اثر از برخی زوایا مناسب است؛ مثلاً، عنوان‌بندی مطالب را با قلم بزرگ‌تر آوردن باعث جلب نظر مخاطب می‌شود. عنوان‌های کلی اثر از نظم خوبی پیروی می‌کند؛ مثلاً، نویسنده در بخش نثر، ابتدا، از چگونگی نثر در عصر عباسی اول، سپس، از

مراحل تطور آن سخن می‌گوید. او در بخش شعر هم بر همین منوال می‌رود و به شعر و تطور آن می‌پردازد. عنوان‌های اصلی از فرعی در بخش فهرست مطالب با قلم‌های متفاوتی نوشته شده است که این امر سبب می‌گردد تا مخاطب مطالب اصلی و فرعی را با دسته‌بندی منظمی به‌ذهن بسپارد و سپس، وارد بدنه اصلی کتاب شود.

۱,۴ کاستی‌های شکلی اثر

۱,۱,۴ هماهنگ نبودن متن‌ها

در آوردن نمونه‌ها باید سعی شود اندازه متن‌های آورده شده یک‌سان باشد تا انسجام ظاهری و شکلی اثر حفظ شود. در کتاب موردنقد متن‌ها از نظر کوتاهی و بلندی با هم هماهنگ نیستند. این حالت در شکل بیرونی کتاب تأثیر گذاشته است و به‌نوعی ناهماهنگی ساختاری انجامیده است. برای نمونه، برخی رسائل مانند نامه صفحه ۲۹ طولانی و برخی دیگر مانند نامه صفحه ۳۴ بسیار کوتاه و مختصر است. در صفحه ۱۷۲ ذیل عنوان «شعر السید الحمیری فی غیر أهل البیت (ع)» فقط دو بیت آورده شده است.

از دیگر کاستی‌های مربوط به این بخش این است که تعداد خطبه‌ها و رسائل آورده شده از افراد مختلف یک‌سان نیست. برای نمونه، از برخی افراد مانند «العتابی» دو نامه می‌آورد و از برخی دیگر مانند امام صادق (ع) به آوردن یک نامه اکتفا می‌کند. شایسته‌تر بود به آوردن یک خطبه از هر فرد بسنده می‌کرد.

۲,۱,۴ فقدان هماهنگی عنوان‌ها

یکی از اموری که در عنوان‌بندی کتاب یا مقاله مهم است یک‌سان‌بودن و هماهنگی عنوان‌هاست. با رعایت کردن این امر ذهن مخاطب به یک نظم خاص عادت می‌کند و به‌خاطر سپردن سیر مطالب برای او آسان‌تر می‌شود؛ زیرا نخستین امری که با گشودن کتاب توجه مخاطب را جلب می‌کند تیترها و عنوان‌های اصلی و فرعی است. نویسنده در قسمت فهرست در صفحه پنج می‌نویسد: «موجز عن الرسائل لغة و اصطلاحا» اما در قسمت خطبه‌ها می‌نویسد: «موجز عن الخطابة لغة و اصطلاحا». در این جا بهتر بود واژه «الرسائل» نیز مانند «الخطابة» به‌شکل مفرد به‌کار رود.

- در صفحه ۸۹، نویسنده عنوان را این‌گونه می‌آورد: «دراسة و تحلیل لنص کلام الإمام موسی الکاظم (ع)»، درحالی‌که در عنوان‌های دیگر مانند صفحه ۷۴، ۸۵ و ... عنوان

مختصر «دراسة و تحلیل للنص / للخطبة» را می آورد. بهتر است نگارنده تمام عنوان‌ها را به صورت کوتاه بیاورد.

- عناوین اصلی و فرعی در برخی موارد به درستی رعایت نشده است و بهتر است شماره گذاری شوند. برای نمونه، هنگامی که از نثر سخن می گوید شایسته تر بود ابتدا عنوان کلی نثر را می آورد و می نوشت: (الف- النثر) و سپس، می نوشت: ۱. الف) النثر لغة. ضمن این که او به جای عنوان «النثر فی مصطلح الأدباء» باید می نوشت «النثر اصطلاحاً» تا با عنوان‌های دیگر مانند «الخطبة إصطلاحاً» هماهنگ شود.

- عنوان‌ها از نظر کوتاهی و بلندی نیز هماهنگ نیستند؛ گاهی کوتاه هستند و گاهی بسیار طولانی. برای نمونه، در صفحه ۱۱ نویسنده می توانست به جای عنوان طولانی «موجز عن مراحل تطور النثر منذ نشأته حتى إبان العصر العباسی» عنوان اصلی «مراحل تطور النثر» را بیاورد سپس چند عنوان فرعی را، مانند النثر فی العصر الجاهلی، النثر فی العصر الإسلامي، و ... می آورد.

- نویسنده هنگامی که نتیجه گیری می کند گاهی این عنوان را با عبارت «خاتمة الفصل و نتیجتہ» می آورد و عدد فصل را ذکر نمی کند، گاهی نیز عدد فصل را ذکر می کند: «خاتمة الفصل الثانی و نتیجتہ». بهتر است در همه موارد شماره فصل ذکر شود تا عنوان‌ها از هماهنگی بیش تری برخوردار باشند. به هر روی، از جایی که عنوان بندی‌ها نقش به سزایی در شکل خارجی متن دارد شایسته است کتاب از این نظر مورد بررسی قرار گیرد.

۳،۱،۴ رعایت نکردن قواعد عمومی ویرایش و نگارش

اشتباهات چاپی و پای بندی بودن به رعایت قواعد نگارشی باعث دل زدگی مخاطب از متن و حتی گاهی سبب بدفهمی متن مورد نظر می شود. غلط‌های چاپی و تایپی فراوانی در کتاب موجود است، که ناگزیر کتاب باید از ابتدا تا انتها بازخوانی شود و این اشتباهات بر طرف شود؛ زیرا باتوجه به این که مخاطبان کتاب بیش تر دانشجویان مبتدی هستند ممکن است به اشتباه املائی واژگان را به ذهن بسپارند و در نتیجه، به درک اشتباهی از متن برسند. از این میان می توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. رسم الخط عربی «ی» و «الف مقصورة (ی)» در بیش تر جاهای کتاب رعایت نشده است و به جای هم به کار رفته اند. بنابراین، کتاب باید از این زاویه به طور کلی بازنگری و

اصلاح شود. برای نمونه، إلی (میرلوحی ۱۳۹۲: ۵)، تعالی به جای تعالی (همان: ۱۲)، سمئی به جای سمی (همان: ۹)، صبح الأعشی به جای الأعشی (همان: ۱۳)، صلیبه به جای صلی (همان: ۲۵)، والی به جای والی، و إلی و علی به جای إلی و علی، حی به جای حی (همان: ۵۷)، لدی به جای لدی (همان: ۱۱۰)، الصحاری به جای الصحاری (همان: ۲۶۸). این رسم‌الخط در دیگر حروف نیز رعایت نشده است؛ برای نمونه، حرف «کاف»: فهناک (همان: ۳)، کذلک (همان: ۱۱)، یسلک و مسلک (همان: ۱۲)، و شک و ذلک (همان: ۱۳۹).

۲. نویسنده در نوشتن حرف «همزه» و کرسی آن نیز دقت کافی نداشته است؛ برای نمونه، اقترح به جای اقترح (همان: ۵)، اعانه به جای أعانه (همان: ۳۴)، اجراء به جای إجراء (همان: ۴۰)، إرتهن به جای ارتهن (همان: ۴۱).

۳. رعایت فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها در هنگام نوشتن متن سهم به‌سزایی در فهم درست آن دارد؛ از این رو، ضروری است که واژگان این کتاب با دقت هرچه تمام‌تر از این لحاظ بررسی شوند؛ زیرا در موارد بسیاری هم در قسمت نثر و هم در قسمت شعر این امر رعایت نشده است. از این میان، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: بیدالمترجمین (بدون فاصله) (همان: ۱۵)، أوان به جای أو إن شئت (همان: ۱۸-۱۹)، هواسلوب به جای هو أسلوب (همان: ۱۹)، فاصله هدینا هما به جای هدیناهما (همان: ۲۰)، کمایلی بدون فاصله به جای کما یلی (همان: ۲۱)، کانوایحسون بدون فاصله (همان: ۹۶)، و ...

۴. یکی دیگر از خطاهای پربسامد در این کتاب اشتباه در نوشتن «واو» عطف است؛ سبک نگارش کتاب‌های عربی به‌گونه‌ای است که همیشه «واو» عطف متصل به کلمه بعد و با فاصله از کلمه قبل نوشته می‌شود این اسلوب در برخی موارد رعایت نشده است و تمام اثر باید بادقت از این زاویه موردبررسی قرار بگیرد. از نمونه‌های این خطا می‌توان به مورد زیر اشاره داشت: خط یازدهم واو عطف بین کلمات (و قوته و وضوحه و جلائه و سلاسته) به‌صورت جداگانه نوشته شده است (همان: ۱۳). باتوجه‌به این‌که آشناسدن مخاطب با رسم‌الخط عربی مهم است، این امر باید در نوشتار رعایت شود و «واو» به‌صورت جدا از ماقبل و متصل به مابعد نوشته شود. از دیگر موارد این نوع از خطا باید به صفحه ۱۲، ۷۰، ۹۷، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۷۳، ۱۸۴، و ... اشاره داشت.

۵. برخی دیگر از اشتباهات تایپی کتاب مربوط به نوشتن و تایپ بعضی واژگان است که باعث می‌شود دانشجوی تازه‌کار برخی اطلاعات را به‌صورت نادرست به ذهن بسپارد. از این نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الذی به جای اللذین (همان: ۱۶)، حکیم به جای

حِکَم (همان: ۱۹)، تمتاز به جای تمتاز (همان: ۲۶)، مؤاخذ به جای مأخذ (همان: ۲۹)، فضلٌ به جای فضّل (همان: ۳۱)، میزان به جای میزات (همان: ۳۲).

۶. کتاب از نظر رعایت نشانه‌های سجاوندی تا حدودی مورد قبول واقع می‌شود، اما ضعف‌هایی نیز در آن به چشم می‌خورد؛ اگر شرح مفردات را از آغاز کتاب دنبال کنیم، چنین خواهیم یافت که نویسنده گاهی مفردات را درون گیومه می‌آورد. مانند صفحه‌های ۲۵، ۴۰، ۵۲، و ... و گاهی نیز واژگان را بدون آوردن گیومه ذکر می‌کند. مانند صفحه‌های ۱۱۱، ۷۶، ۹۳، ۱۲۸، و ... بهتر است در تمام کتاب یک شیوه مدنظر گرفته شود تا بین همه قسمت‌ها هماهنگی و نظم رعایت شود. در برخی صفحه‌ها نشانه‌های نگارشی و سجاوندی به درستی رعایت نشده است. برای نمونه، صفحه‌های ۱۴۹ و ۱۵۳ پیش از «زیرا» باید نقطه ویرگول قرار داده می‌شد؛ چراکه هنگام بیان سبب و دلیل یک امر باید از «زیرا» استفاده کرد و قبل از «زیرا» نقطه ویرگول می‌آید. در صفحه ۲۲۵ پایان بیت نقطه قرار داده شده است، این حالت در شعر معمول نیست.

۴،۱،۴ استناد و ارجاع‌دهی

باتوجه به این امر که استناد رکن اساسی نگارش علمی را تشکیل می‌دهد اگر نویسنده به آن بی‌توجهی نشان دهد، تمامی اثر خود را زیر سؤال برده است؛ چراکه با برگرفتن مطالب از دیگران و ارجاع نادرست آن مخاطب چنین احساس می‌کند که تمام گفته‌ها از آن نویسنده است، حال آن‌که چنین نیست و این کار از یک طرف، به معنای فریب مخاطب است و از طرف دیگر، به معنای سرقت و رعایت نکردن اصل ارجاع‌دهی درست است. اما در مورد این اثر باید گفت که نویسنده اصل ارجاع‌دهی را رعایت کرده است، ولی گاهی دچار اشتباهاتی شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

صفحه مقدمه منقولات مستقیم از غیرمستقیم شناخته نمی‌شود؛ زیرا همه منقولات بدون آوردن گیومه ذکر شده است. نویسنده باید نقل قول‌های مستقیم را درون گیومه قرار می‌داد یا حداقل آن‌ها را با قلم و اندازه‌ای متفاوت از نقل قول‌های غیرمستقیم می‌آورد. در صفحه ۱ نقل قول با تصرف از شوقی ضیف فقط دو سطر است، در حالی که نویسنده پاراگراف را به طور کامل به او ارجاع داده است. در صفحه ۱۰ یک سطر تعریف را به صفحات ۱۰ تا ۲۳ کتاب *النقد الأدبی* ارجاع داده است و بهتر بود می‌نوشت: «راجع».

گاهی نویسنده از منابعی که دست‌اول نیستند استفاده می‌کند. برای نمونه، در صفحه ۱۲ ارجاع دادن به مرجع دست‌دومی مانند *الأدب العربی* از آذرشب و *مختارات من روائع*

الأدب از فاضلی کار جالبی نیست. از دیگر نمونه‌های ارجاع‌دهی نادرست می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: در صفحه ۸۲ نقل قول مستقیم داخل گیومه بدون ذکر منبع آمده است. صفحه ۱۵۴ و ۱۵۵ نقل قول طولانی از شوقی ضیف آورده است، ولی در پانویس گفته است باختصار. در صفحه ۱۸۱ نویسنده توضیح مربوط به «فح» را بدون مرجع نوشته است، ولی به منبع نیاز دارد، چون مطلب در مورد اسم علم است و اطلاع شفاهی نویسنده کافی نیست. در صفحه ۲۰۵ به صورت نامتعارف منبع را، که *المجانی الحدیثه* است، به جای پانویس در متن آورده است و یک‌سان بودن شیوه ارجاع‌دهی را، که از ابتدا تا این جا رعایت شده است، در این جا به هم ریخته است. در صفحه ۲۱۶، مرجع «الأغانی» بدون ذکر صفحه است. صفحه ۲۱۶ شماره ارجاع بین پاراگراف است، در حالی که باید در انتهای پاراگراف می‌آمد. از صفحه ۲۳۸ تا ۲۴۰ کل تحلیل در این سه صفحه منقول است، بهتر بود نویسنده برخی تحلیل‌ها را از داشته‌های خود ذکر می‌کرد. در صفحه ۲۶۲ سخن شوقی ضیف را با دو اشتباه وارد کرده است: «مع سهولة الألفاظ و [مع] شفافیته» که واژه «مع» را تکرار کرده و به جای «جمیل» «جمل» آورده است و صفحه مرجع را به اشتباه ۲۶۹ ذکر کرده است که صفحه درست ۲۷۰ است. صفحه ۲۶۶ شعر صنوبری را از *المجانی الحدیثه* نقل کرده است، ولی در آوردن کلمه‌های شعری با اصل تفاوت دارد.

در قسمت منابع و مصادر فارسی نویسنده در برخی موارد اسلوب فارسی را در ارجاع‌دهی به کار برده است و این عیب به‌شمار می‌آید؛ زیرا باتوجه به این‌که زبان کتاب عربی است، ارجاعات در مواردی مانند صفحه ۳۰۲ به‌جز در مورد اسامی خاص باید کاملاً به زبان عربی باشد. برای نمونه، به جای واژه «بی‌تا» بهتر است (د.ت) نوشته شود و ترکیب (زیرنظر ...) باید به عربی برگردانده شود.

۵,۱,۴ جامعیت صوری اثر

در بررسی جامعیت صوری اثر پژوهشی نکات زیر مدنظر قرار می‌گیرد:

جدول ۱.

فهرست		نتیجه و جمع‌بندی		خلاصه		تمرین و آزمون
منابع	موضوعی	اعلام	فصول	کلی	فصول	
دارد	ندارد	ندارد	دارد	دارد	دارد	دارد

چنان‌که از جدول برمی‌آید، این کتاب از برخی مؤلفه‌های جامعیت صوری مانند بحث مقدماتی، تمرین‌ها، و نتیجه‌گیری در پایان هر فصل برخوردار است. این امر از نکات مثبت کتاب به‌شمار می‌آید. تمرین‌ها متنوع است؛ به‌گونه‌ای که نویسنده هم سؤالاتی از محتوای نمونه‌های آورده‌شده مطرح می‌کند و هم پرسش‌هایی درمورد نکات نحوی، اعرابی، و بلاغی موجود در نمونه‌ها. این شیوه باعث می‌شود مخاطب علاوه بر دریافت معنای ظاهری تاحدی که متناسب سطح اوست با لایه‌های درونی متن‌ها نیز آشنا شود. آوردن برخی تمرین‌ها، مانند جاهایی که نویسنده از مخاطب می‌خواهد برخی تعابیر را در جمله به‌کار گیرد یا درمورد برخی موضوعات چند سطری بنویسد، بیش‌تر مربوط به درس‌هایی مانند نگارش و انشاست و بهتر است این‌گونه تمرین‌ها حذف شود. به‌هرروی، نویسنده می‌توانست با استفاده از دیگر ابزارهای علمی مانند طرح بحث، فهرست موضوعی، اعلام، و ... بر پرباری هرچه بیش‌تر اثر خود بیفزاید.

۵. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

در بررسی محتوای کتاب از امتیازهای اثر مانند سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی و سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های مفروض اثر و کاستی‌های کتاب مانند رعایت‌نکردن انسجام درونی اثر، ناقص‌بودن مطالب، و دادن اطلاعات اشتباه سخن به‌میان می‌آید.

۱,۵ امتیازات محتوایی اثر

۱,۱,۵ سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی

رویکرد اثر موردنقد درمورد فرهنگ و ارزش‌های جامعه اسلامی رویکردی مناسب است و امری که بتوان آن را ضدارزش‌های اسلامی شمرد در آن مشاهده نشد، بلکه برعکس نویسنده به متون مربوط به ائمه نیز اهتمام داشته است و نمونه‌هایی را از ایشان آورده است، که این امر دال بر ارزش اسلام و فرهنگ اسلامی نزد نویسنده است؛ به‌دیگریان، مبانی و اصول دینی در این اثر به‌خوبی رعایت شده است و این امر حتی در اسلوب نویسنده نیز نمایان شده است؛ نویسنده وقتی از قرآن سخن می‌گوید صفت «الکریم» را فراموش نمی‌کند و برای دعوت رسول خدا (ص) نیز صفت «الکریمه» را می‌آورد. برای نمونه، می‌توان به عبارت «فَلَمَّا نزل القرآن الکریم و جاءت الدعوة النبویة الکریمه» اشاره کرد (میرلوحی ۱۳۹۲: ۱۲)؛ به عبارت دیگر، شخصیت روحانی نویسنده در سبک و اسلوب او مؤثر واقع شده است.

همین امر باعث شده است تا او کتاب خود را با آوردن نمونه‌هایی از خطبه‌ها و رسائل ائمه همراه کند. اموری از این دست به خوبی نشان‌دهنده سازگاری کتاب با دین و اصول دینی است.

۲,۱,۵ سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های مفروض اثر

محتوای علمی - پژوهشی اثر با پیش‌فرض‌های تعیین‌شده از سوی سازمان مطابقت دارد و تمامی مبانی مربوطه رعایت شده است. کتاب متناسب با سطح ذهنی مخاطبان، که بیش‌تر دانشجویان کارشناسی هستند، نوشته شده است. مثلاً، آوردن نمونه‌های مختلف، ارائه شرح واژگان، و آوردن تمرین‌های گوناگون می‌تواند از نکات خوب و مثبت این اثر به‌شمار رود.

۲,۵ کاستی‌های محتوایی اثر

۱,۲,۵ انسجام درونی نداشتن

در سرتاسر کتاب و میان فصل‌ها نظم منطقی به‌صورت نسبی مشاهده می‌شود. نگارنده در برخی موارد نظم و انسجام بین مطالب را رعایت نکرده است؛ بی‌نظمی‌ای که در کتاب به‌چشم می‌خورد این است که نگارنده در بخش نثر از فنون نثر مثل رسائل، خطب، و مناظره سخن به‌میان می‌آورد، ولی در بخش شعر هیچ مطلبی ذیل عنوان فنون شعر یا اغراض شعر در این دوره نیامده است. شایسته است، فصلی با این عنوان به کتاب اضافه شود.

نویسنده در صفحه ۱۱ از انواع نثر سخن به‌میان می‌آورد بدون این‌که عنوان آن را ذکر کند؛ به‌دیگر بیان، او وقتی تعریف ادب و نثر را در لغت و در اصطلاح ذیل عنوان جداگانه می‌آورد مخاطب منتظر است تا انواع نثر را نیز با یک عنوان مستقل بیاورد. اما نویسنده این کار را انجام نداده و بسیار مختصر از نثر و انواع آن سخن رانده است. علاوه‌براین، در صفحات ۱۰، ۱۱، و ۱۲ مرز بین عناوین فرعی و اصلی مشخص نیست و لازم است عناوین فرعی شماره‌گذاری شود. باید اذعان کرد که هر عنوان بر مطالبی که در ذیل آن می‌آید کاملاً دلالت دارد.

۲,۲,۵ ناقص بودن مطالب

نگارنده در صفحه ۱۰ درباب کلمه ادب سخن رانده است، اما درمورد تطور این کلمه در اعصار مختلف سخنی به‌میان نیاورده است. در صفحه ۱۷۴ قصیده بشار بن برد را که

موضوع اصلی آن مدح عمر بن هبيرة الفزاري و وصف الجیش بوده بریده است و فقط حکمت‌ها را آورده است. با این کار مخاطب چنین در ذهن خود تثبیت می‌کند که این سروده فقط در باب حکمت است. در صفحه ۳۵ در بخش «دراسة نثر ابن المقفع» جای پرداختن به ویژگی‌های نثری او خالی است. در صفحه ۴۵ نیز از میزات نثر سهل بن هارون سخن نرانده است.

۳,۲,۵ دادن اطلاعات اشتباه

بی‌دقتی در بیان برخی مطالب باعث انتقال آگاهی‌های نادرست در مورد یک موضوع به مخاطب می‌شود. برای نمونه، در صفحه ۱۷۹ نویسنده می‌گوید: «شاعر مطبوع هجاء، ولذک ینقل عنه أنه قال: أحمل خشبتي علی کتفی... که این مطلب در مدح اهل بیت از او مشهور است.» این امر نشان از تناقض‌گویی نویسنده دارد که در نهایت به سردرگمی مخاطب می‌انجامد.

نویسنده در صفحه ۱۳۵ قصد اصلاح تعبیر «بالخبر المستفاض فيه» را داشته است، اما در پانوشت مرتکب دو اشتباه شده است؛ نخست، اظهار کرده که المستفاض فيه بهتر است که تحصیل حاصل کرده است و دوم، بدون دلیل فرموده الألیق بالسیاق (المستفیض). از دیگر خطاهای نویسنده می‌توان به صفحه ۱۸۱ اشاره کرد؛ زیرا او «نفس زکیه» را لقب امام موسی کاظم (ع) دانسته است، در حالی که لقب محمد بن عبدالله بن الحسن، یکی از ثوار، است.

۳,۵ بررسی میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن

نویسنده در هر دو بخش نثر و نظم مطابق با عناوین و فهرست آغاز کتاب عمل کرده است. در بخش نثر ابتدا رسائل و نمونه‌های آن و سپس خطبه‌ها و بعد مناظرات را با تحلیل ذکر کرده است. در بخش شعر مدارس شعر دوره عباسی را به دو مدرسه الشعیبة و مدرسة المحافظین تقسیم کرده است و شعرای هر مذهب را با آوردن قسمتی از زندگی‌نامه آن‌ها معرفی کرده است و سپس، نمونه‌هایی از سروده‌های هر شاعر را ذکر کرده است و به تحلیل آن پرداخته است. به طور کلی، باید گفت مخاطب با دیدن عنوان کتاب تا حدودی می‌تواند محتوای آن را حدس بزند و این طور نیست که عنوان یک چیز باشد و محتوا چیزی دیگر، اما می‌توان یک ایراد جزئی بر عنوان وارد کرد و آن این است که وقتی مخاطب عنوان را می‌بیند این گونه گمان کند که کتاب گل‌چینی از متن‌های نظم و نثر دوره عباسی است، بدون هیچ شرح و تحلیلی. بهتر است عبارت «دراسة و شرح» به انتهای عنوان اضافه شود.

۴,۵ میزان انطباق مطالب اثر با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم

در سرفصل جدید وزارت علوم نظم و نثر تمام دوره‌ها از هم جدا شده است و به‌عنوان دروسی جداگانه تدریس می‌شوند. اگر این کتاب هم در دو جلد ارائه شود، بهتر است؛ در هر صورت، می‌توان آن را برای هر دو درس به‌کار برد.

۵,۵ تناسب و جامعیت محتوا و موضوع اثر با توجه به اهداف درس

اثر موردنظر از جامعیت قابل‌قبولی برخوردار است، جز این‌که جای پرداختن به غرض‌های شعری مهم دوره عباسی خالی است. شایسته‌تر بود که با توجه به این‌که کتاب از شعر و نثر این دوره سخن می‌گوید به‌جای پرداختن به تاریخ ادبیات و زندگی‌نامه برخی شاعران بحثی در مورد اغراض شعری مهم و ویژگی‌های سبکی هر شاعر ارائه می‌داد.

۶,۵ میزان نوآوری در اثر

سبک نگارش کتاب بدین‌گونه است که ابتدا، نثر آمده و سپس، شعر؛ همان‌طور که نویسنده در مقدمه اشاره می‌کند سبکی جدید است؛ زیرا در بیش‌تر کتاب‌های آموزشی متون مانند *المجانی الحدیث* ابتدا شعر قرار دارد سپس نثر. این شیوه هم نوآوری دارد و هم از آن‌جایی که انسان به نثر می‌اندیشد، نه به شعر کاربرد این اسلوب برای دانشجویان بهتر است؛ چون نثر را بهتر متوجه می‌شوند و ذهن آن‌ها با خواندن نثر برای درک و فهم شعر آماده‌تر می‌شود.

۷,۵ میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر

با توجه به این‌که کتاب برای دانشجویان فارسی زبان تدوین شده است نویسنده سعی داشته است با آوردن نمونه‌هایی از انواع نامه، خطبه، مناظره، و شعر آن هم از اقشار مختلفی مثل ائمه اطهار، پادشاهان، و ... مخاطب را با داده‌های مختلفی آشنا کند و بتواند او را متوجه تفاوت اسلوب نامه‌های یک حاکم با دیگر اقشار کند.

در نوشتن این کتاب نویسنده سعی داشته است تا کاری که در سطح دانشجویان غیرعرب باشد انجام دهد. می‌توان گفت، جدای از برخی کاستی‌ها این اثر می‌تواند تا حدودی نیاز دانشجویان فارسی‌زبان را برطرف کند و با انجام اصلاحات در چاپ‌های بعدی از مقبولیت بیش‌تری نزد مخاطب بهره‌مند گردد.

۶. نتیجه‌گیری

- نگارنده در قسمت نثر باید به اسلوب‌های برجسته عصر عباسی و مشخصات بارز آن‌ها پردازد؛ زیرا مخاطب باید از این اسلوب‌ها آگاهی داشته باشد تا بتواند آن‌ها را در شواهد آورده‌شده بیابد و تشخیص دهد.
- بهتر است نگارنده تمامی عنوان‌ها را به صورت کوتاه بیاورد و برخی عناوین طولانی را کوتاه کند؛ زیرا عنوان‌بندی‌ها نقش به‌سزایی در شکل خارجی متن دارد و هماهنگی آن‌ها نشان‌دهنده انسجام متن است.
- گاهی نویسنده شواهد را به‌طور کامل نمی‌آورد و این سبک باعث می‌شود مخاطب به غرض اصلی متن آورده‌شده پی نبرد. مانند نمونه شعری بشار بن برد که در غرض متن است، اما با حذفی که نویسنده انجام داده است مخاطب گمان می‌کند این سروده با غرض حکمت نوشته شده است.
- شایسته بود، نگارنده به برخی مطالب توجه می‌کرد و آن‌ها را در کتاب جای می‌داد. برای نمونه، جای پرداختن به اغراض شعری در عصر عباسی خالی است. نویسنده به‌منظور غنی‌تر شدن اثر می‌توانست به جای پرداختن به زندگی‌نامه افراد از غرض‌های شعری سخن به‌میان آورد.
- خطاهای تاپی زیادی در کتاب مشاهده می‌شود که می‌تواند اطلاعات اشتباهی به مخاطب مبتدی بدهد و حتی باعث بدفهمی مطلب شود. برای نمونه، فاصله بین کاراکترهای برخی کلمه‌ها و نیز فاصله بین دو کلمه در برخی موارد رعایت نشده است و خواندن مطالب را برای خواننده دشوار می‌سازد.

۷. پیش‌نهادها

بهتر است، بخش‌هایی که مربوط به تاریخ ادبیات و زندگی‌نامه شاعران است مختصر شود و عنوان‌های زیر به کتاب اضافه شود:

- اغراض شعر؛
- ویژگی‌های شعر؛
- ویژگی‌های نثر؛
- تفاوت‌های معنی ادب در دوره‌های مختلف؛
- انواع نثر.

کتاب‌نامه

- حیدری، غلامرضا (۱۳۸۰)، آیین نگارش، ج ۲، زنجان: نیکان کتاب.
- زرین کوب، غلامحسین (۱۳۶۱)، نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۶۹)، «ضرورت و شیوه نقد کتاب»، آینه پژوهش، س ۱، ش ۱.
- سیاوشی، صابره (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد ترجمه کتاب تاریخ ادبیات عربی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۲، ش ۲.
- صاد، علی (۱۳۹۲)، روش نقد، قم: هجرت.
- میرلوحی، سیدعلی (۱۳۹۲)، مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول، تهران: سمت.

